

رابطه دنیا با آخرت، رابطه‌ای ناشناخته که قدر آن را نمی‌دانیم

رابطه دنیا با آخرت چیست؟ چگونه دنیا تجلی‌گاهی برای آخرت است؟

دنای فانی یا آخرت باقی؟

دنای پست یا آخرت با عظمت؟

دنای محدود یا آخرت بی‌انتهای؟

غالباً دنیا و آخرت را به صورت دو مفهوم مقابل با هم می‌شناسیم^۱ که البته کاملاً هم بجاست، اما شاید بسیاری از ما از رابطه دنیا با آخرت و نقشی که به عنوان تجلی‌گاهی برای آخرت دارد، غافل شده‌ایم! از آنجا که جهان آخرت محیط بر دنیا است، دنیا در درون آخرت تعریف می‌شود^۲. واضح‌ترین مثالی که می‌تواند این مطلب را برایمان روشن‌تر کند، رحم مادر در دنیا است. ما همان‌طور که نمی‌توانیم منکر ارتباط رحم مادر با دنیا شویم، رابطه دنیا با آخرت را هم نمی‌توانیم نادیده بگیریم. هنگامی که در رحم مادریم، تحت تأثیر دنیا هم هستیم، اتفاقات دنیا بر روی ما هم اثر می‌گذارد، اما در عین حال در محیط و سیستمی جداگانه به کار خود مشغولیم. ما از دنیا وارد رحم مادر شده‌ایم و بعد از طی کردن مراحل تکاملی خود در این رحم، به دنیا برگشته و به زندگی خود ادامه می‌دهیم؛ زندگی که نسبت به زندگی رحمی ما از اصالت بیشتری برخوردار است؛ بسیار فراخ‌تر بوده و نعمت‌هایش از لحاظ تعدد و زیبایی با داخل رحم قابل مقایسه نیستند.

اگرچه ما به عنوان یک جنین در داخل رحم مادر شرایط زیستی متفاوتی را تجربه می‌کنیم، خوراکیان متفاوت است، لذت‌هایی که می‌بریم با لذت‌های بیرون از رحم فرق دارد و قدرت اثرگذاری مان بر خارج از رحم بسیار محدود است؛ اما حیات ما به بودن دنیا وابسته است. اگر دنیا نباشد ما نیز وجود نداریم. در حقیقت ما در دنیا هستیم، اما در محیطی متفاوت به سر می‌بریم! در رحم مادر پایین‌ترین درجات حیات مادی را تجربه می‌کنیم. تغذیه مان از خون است. محیطی بسیار تنگ و تاریک ما را احاطه کرده. لذت می‌بریم، محبت و

^۱ رابطه دنیا و آخرت از منظر قرآن و حدیث، دکتر حمیدرضا شاکرین

• علی (علیه‌السلام): الدنيا في الآخرة والآخره محیطة بال دنیا، مجمع البحرین: ج ۱ ص ۲۷۰ «جملق»^۲

عشق و یا عصبانیت و اضطراب مادر را احساس می‌کنیم، اما به صورت بسیار محدود! در واقع، ما در این محیط تنها در حال آماده کردن خود برای زندگی در دنیایی هستیم که قرار است به صورت تکامل یافته به آن بازگردیم و به فراخور امکاناتی که با خود آورده‌ایم از نعمت‌هایش بهره‌مند شویم.

دنیا، چکیدهٔ آخرت

رابطهٔ رحم مادر با دنیا دقیقاً مانند همان رابطه دنیا با آخرت است. آنچه ما در دنیا داریم و تجربه می‌کنیم، در اصل چکیده و عصارهٔ چیزیهست که در آخرت وجود دارد. با این حساب رابطه دنیا با آخرت از آنچه فکر می‌کردیم هم فراتر است. علم، عشق، شادی، صمیمیت، دلدادگی، سرور، لذت و... همه و همه حقیقت‌هایی هستند که از اصل خود در آخرت گرفته شده‌اند و متناسب با حیات دنیایی تنزل پیدا کرده‌اند. حیاتی که به اندازهٔ پایین‌تر بودن شرایط زیستی ما در رحم مادر نسبت به دنیا، از حیات با عظمت آخرت پست‌تر و پایین‌تر است؛ پس در حقیقت دنیا پایین‌ترین تجلی آخرت است و از آنجایی که بهشت و جهنم مصداق‌های آخرتند، دنیا پایین‌ترین تجلی بهشت و جهنم است. اما این جمله دقیقاً به چه معناست؟

در حقیقت نحوهٔ مواجههٔ ما با دنیا خبر از اوضاعمان در آخرت می‌دهد. ما به شرطی می‌توانیم از اصل بهشت بهره‌مند شویم که پیش‌تر از آن، از فرع آن در دنیا لذت برده باشیم؛ البته این به این معنی نیست که اگر در دنیا به هر جهتی از لذت و یا نعمتی محروم بوده‌ایم، در آخرت هم از آن محروم باشیم، بلکه منظورمان این است که ما در شرایطی می‌توانیم به بهشت برسیم که در دنیا هم اهل سلم بوده و بهشتی‌گونه زندگی کرده باشیم.

در واقع در صورتی که در دنیا شاد و آرام بوده و با صفات و ویژگی‌های بهشتی سنخیت داشته باشیم، شایستگی ورود به بهشت اصلی را خواهیم داشت، همان‌طور که اگر معدهٔ ما توانایی لازم و آنزیم‌های مورد نیاز برای هضم یک وعدهٔ بسیار کوچک از غذا را نداشته باشد، قطعاً یک وعدهٔ کامل را هم نمی‌توانیم هضم

کنیم؛ اگر نتوانیم با تجلی کوچکی از بهشت یعنی دنیا شاد شویم، هرگز نمی‌توانیم از اصل بهشت بهره‌برداری کنیم. پس برای بهشتی بودن، باید با تجلی کوچک بهشت در دنیا هم شاد باشیم.

تجلی‌گاهی برای آخرت

پیشتر در رابطه دنیا با آخرت گفتیم که دنیا همان‌طور که تجلی بهشت است، تجلی جهنم هم می‌تواند باشد، یعنی اگر خود را با جلوه‌های جهنمی دنیا تطبیق دهیم و مدام دچار ناراحتی، خشم، زودرنجی، ترس، کینه، حسادت و... شویم، با بهشت سنخیتی نداشته و توان بهره‌برداری از آن را هم نداریم. در واقع وجودمان را شایسته جهنم کرده‌ایم و از آن‌جا که در دنیا خود را در فشار و تنگنا قرار دادیم، در آخرت هم به فشار و سختی مبتلاییم. پس این مهم است که به دنیا چگونه نگاه می‌کنیم و آن را چگونه تعریف می‌کنیم. چون در حقیقت در رابطه دنیا با آخرت است که ما نوع زندگی خود در آخرت را مشخص می‌کنیم. بدیهی‌ست که وقتی با دنیا سروکار داریم، باید نحوه مواجهه با آن را هم بدانیم، در غیر این صورت نمی‌توانیم از آن به‌طور بهینه استفاده کنیم و یا حتی ممکن است، دچار آسیب شویم.

اما قضیه تنها به اینجا ختم نمی‌شود. ما پس از دنیا به عالمی برمی‌گردیم که فوق‌العاده وسیع، ثروتمند و بزرگ است. سطح زندگی‌اش از دنیا بی‌نهایت بالاتر است و به همین نسبت هم میزان دارایی‌هایی که در آخرت به آنها نیاز داریم، بسیار بیشتر است. این دارایی با عمل صالح و تکرار آن به دست می‌آید. از آنجا که محیط دنیا مانند رحم مادر از قدرت سازندگی بسیار بالایی برخوردار است، بهترین فرصت برای تکرار اعمال صالح و تبدیل کردنشان به صفت‌های اخلاقی و نهایتاً دارایی‌ست. دارایی‌هایی که به ما امکان لذت بردن بیشتر از بهشتی را خواهند داد که قبلاً در دنیا جلوه‌هایی از آن را تجربه کرده‌ایم. از طرف دیگر، دنیا قدرت بسیار بالایی در جبران خطاها و اعمال بدی دارد که به واسطه تکرار در نفس ما ثابت شده‌اند. اعمال و خلقیاتی که اگر همراه ما باقی بمانند، معلوم نیست به چه میزان ما را گرفتار خود کنند!؟

ما در این مقاله به رابطه دنیا با آخرت از منظری دیگر نگاه کردیم. گفتیم که دنیا تجلی آخرت است و در واقع نحوه مواجهه ما با آن، خبر از اوضاعمان در آخرت می‌دهد. به این معنی که برای بهشتی بودن، باید در دنیا هم که تجلی کوچکی از بهشت است، شاد بوده و برای جلوگیری از جهنمی شدن، از جلوه‌های جهنمی دنیا مثل خشم و کینه و حسد دوری کنیم. همین‌طور بیان کردیم که دنیا به دلیل قدرت بالای سازندگی‌اش، بهترین مکان برای کسب دارایی‌های مورد نیازمان در آخرت و از بین بردن خلق و خویهای بدیست که به هر دلیلی به آن گرفتار شده‌ایم.